



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۲

موضوع کلی: احکام قطع

مصادف با: ۱۷ شوال ۱۴۴۴

موضوع جزئی: تجری - مباحث اصلی تجری - مقام اول: تجری - مقدمه: قبح فعلی یا فاعلی -

دو دیدگاه - حق در مسئله

جلسه: ۹۸

سال چهاردهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مباحث اصلی تجری

عرض کردیم بحث تجری از سه زاویه قابل بررسی است. کیفیت بحث از تجری بنابراینکه یک مسئله کلامی باشد و بنابراینکه یک مسئله فقهی باشد و بنابراینکه یک مسئله اصولی باشد، اجمالاً بیان شد. آنچه که از ابتدای بحث تجری تا اینجا گفتیم دو مطلب بوده: ۱. تنقیح موضوع و دامنه و قلمرو بحث تجری؛ ۲. این مسئله آیا می‌تواند به عنوان مسئله علم کلام یا مسئله علم فقه یا مسئله علم اصول باشد؟ دوتای اول را خیلی اجمالی توضیح دادیم و سومی را به نحو اجمال مطرح کردیم و گفتیم راه‌هایی برای اینکه بحث تجری یک مسئله اصولی قلمداد شود وجود دارد. سه راه بیان شد دو راه مورد اشکال قرار گرفت اما راه سوم فی الجمله می‌تواند به عنوان یک راهی برای اصولی بودن مسئله تجری محسوب شود. آنچه تا اینجا گفتیم بیان اجمالی بود اما بیان تفصیلی اینها نیز مطرح شده. یعنی مسئله تجری به عنوان یک مسئله کلامی در اینجا از آن بحث شده با اینکه قاعده آن است که در علم اصول از مسائل کلامی بحث نشود. مسئله تجری از حیث فقهی بودن و از این زاویه نیز در علم اصول بحث شده است، علاوه بر این با اینکه در مورد اصولی بودن آن اختلاف است و بعضی آن را یک مسئله اصولی نمی‌دانند و بعضی می‌دانند ولی این حیث نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

پس دقت بفرمایید که شاکله بحث تجری از این به بعد درباره چه موضوعاتی و از چه زوایایی است. به طور کلی ما اینجا از دو چیز بحث می‌کنیم:

۱. از خود تجری؛ عنوان تجری که در مقابل انقیاد است.

۲. از فعل متجری به؛ آن عملی که به سبب آن تجری صورت گرفته است. کسی مایعی را می‌نوشد با اعتقاد به خمیریت در حالی که در واقع خمر نیست. ما یک شخص داریم که این کار را مرتکب شده که به آن می‌گویند متجری و یک حالتی داریم که در درون این شخص پدید آمده است، یک سرکشی و نافرمانی درونی، یک بنا و التزام قلبی بر مخالفت، به این می‌گویند تجری. یک عملی هم داریم که از این شخص سر زده، این شخص بالاخره خارجاً یک کاری را انجام داده و این مایع را نوشیده، این فعل متجری به است، یعنی کاری است که تجری در قالب آن تبلور پیدا کرده است. آن فعل فی نفسه معصیت محسوب نمی‌شود، زیرا کاری بر خلاف دستور خدا نکرده است، او گمان می‌کرده که دستور خداست که این مایع را ننوشد، اما خدا هیچ نهبی از شرب این مایع نداشته. پس یک تجری داریم و یک متجری و یک متجری به.

دو عنوان از این سه عنوان موضوع بحث است. یکی خود تجری، یکی هم فعل متجری به. پس اگر بخواهیم بحث‌های آینده را در دو قسمت کلی قرار دهیم یکی مربوط به تجری است و دیگری راجع به فعل متجری به. آنوقت خود متجری و فاعل هم در ضمن قسمت دوم تکلیفش معلوم می‌شود.

اما در بخش اول راجع به عنوان تجری از سه زاویه بحث کرده‌اند، هم به عنوان مسئله اصولی مورد بحث قرار دادند و هم به عنوان یک مسئله فقهی و هم به عنوان یک مسئله کلامی. حال اینکه ما این را یک مسئله اصولی بدانیم یا ندانیم مهم نیست، بالاخره این بحث اینجا مطرح شده است که آیا تجری قبح عقلی دارد یا ندارد و مهمتر از آن اینکه آیا قبح تجری مستتبع حرمت تجری است یا نیست؟ آیا این تجری حرمت شرعی دارد یا ندارد؟ این می‌شود آن زاویه دوم که یک بحث فقهی است. از زاویه کلامی نیز صحبت از استحقاق عقوبت متجری است. پس بحث‌های اصلی تجری سه تا است. اول قبح عقلی تجری مستتبع حرمت شرعی تجری هست یا نه؟ ثانیاً تجری شرعاً حرام است یا خیر؟ ثالثاً تجری مستلزم استحقاق عقوبت است یا خیر؟ این سه بحث اصلی است که در واقع به نوعی از همان سه زاویه‌ای که گفتیم به این موضوع پرداخته می‌شود.

مقام اول: تجری

فعلاً در مقام اول بحث می‌کنیم که آیا تجری عقلاً قبیح است و مستتبع حرمت می‌باشد یا خیر؟

مقدمه: قبح فعلی یا فاعلی تجری

مقدمه‌ای که اینجا لازم است درباره آن توضیح کوتاهی بدهیم این است که این قبح مربوط به فعل است یا فاعل؟ اصل اینکه تجری عقلاً قبیح است، بحثی در آن نیست. زیرا هر نوع نافرمانی، مخالفت با مولا از نظر عقل قبیح است. حال اگر این مخالفت به مرحله عمل برسد از نظر عقل قبیح است، اگر هم به مرحله عمل نرسید باز هم قبیح است. همین که کسی در درونش، بنایش بر این باشد که با مولا مخالفت کند و کاری را به این قصد انجام دهد قبیح است. این یک مسئله بدیهی است که از نظر عقل قبح تجری ثابت است، عقل همانطور که معصیت را قبیح می‌داند، تجری را نیز قبیح می‌داند، حال ممکن است شدت قبح در این دو متفاوت باشد، این بحثی ندارد.

بحث اصلی این است که قبح تجری به خاطر فاعل است یا به خاطر فعل؟ به عبارت دیگر تجری قبح فاعلی دارد یا فعلی؟ یعنی خود این کار فی نفسه قبیح است از نظر عقل، اینکه این شخص این مایع را که در واقع آب است نوشیده است، نفس این کار عقلاً قبیح است، یا اینکه این کار با قطع نظر از این اعتقاد قبیح نیست، اضافه‌ای که به فاعل پیدا کرده است، حکایت از سوء سریره فاعل دارد. فاعل این فعل، از نظر عقل قبیح شمرده می‌شود و قبحش قبح فاعلی است.

دیدگاه اول

اینجا دو دیدگاه وجود دارد، طبق یک دیدگاه که بسیاری از اهل نظر به آن ملتزم هستند تجری قبح فاعلی دارد. اگر خاطرتان باشد شیخ انصاری در رسائل در جلد اول به این مسئله اشاره کرده و فرمودند اگر کسی مخالفت اعتقادی با مولا کند، عقل او را به عنوان کسی که دارای سوء سریره و خبث باطنی است، آدم ناپسند می‌داند، اگر کسی یک ظرف مایعی را با اعتقاد به خمریت بنوشد، درست است آن چیزی که از این شخص صادر شده، شرب الماء است نه شرب الخمر، ولی چون اعتقاد به خمریت داشته و بر اساس یقینش با مولا مخالفت کرده، این خودش از دید عقل دارای سوء سریره و خبث باطنی است. اما فعل او به چه دلیل قبیح شمرده شود؟ او

کاری نکرده است، خود فعل با قطع نظرا از فاعل، هیچ جهت قبیحی در آن وجود ندارد و صرف اعتقاد به خمریت باعث تغییر حقیقت فعل نمی‌شود. اگر من اعتقاد داشته باشم این خمر است، آیا این اعتقاد من اثر تکوینی می‌گذارد و آن مایع را تبدیل به خمر می‌کند؟ قطعاً اینگونه نیست. واقعیت که عوض نمی‌شود. پس قبح فعلی اینجا وجود ندارد و آنچه است قبح فاعلی است. مرحوم شیخ در رسائل این را فرموده، دیگران نیز فرمودند از جمله محقق نایینی^۱ و شاید کثیری از محققین این عقیده را دارند.

دیدگاه دوم

در مقابل، محقق عراقی معتقدند که تجری قبح فعلی دارد. محقق عراقی، چگونه قبح فعلی را در مورد تجری تصویر می‌کند؟ ایشان می‌گویند کسی که مخالفت اعتقادی با مولا می‌کند بدون تردید آدم بدی است، این خبث باطنی دارد و بحثی در آن نیست. فعل او نیز هر چند هیچ یک از عناوین محرمة بر آن منطبق نیست، یعنی بر شرب الماء او شرب الخمر صدق نمی‌کند، این همان شرب الماء است ولی چون بنای او بر مخالفت بوده، اینجا این فعل نه به عنوان مفسده‌ای که در آن وجود دارد، (زیرا چنین مفسده‌ای در آن نیست) بلکه به عنوان هتک و بی‌احترامی و طغیان بر مولا قبیح شمرده می‌شود. می‌گویند این آب خوردن یک آب خوردن معمولی نیست، این آب خوردن معصیت نیست، با خمر فرق دارد، شرب خمر مشتمل بر مفسده است، شرب الماء مشتمل بر آن مفسده نیست و کسی که شرب خمر انجام دهد معصیت کرده، زیرا کاری است که از آن نهی شده و چون دارای مفسده بوده از آن نهی شده است، اما اینجا شرب الماء مشکل دیگری دارد، مفسده‌ی واقعی در این ماء وجود ندارد، اما بالاخره این آب خوردن می‌شود مخالفت با خدا، او به عنوان مخالفت با مولا دست به این کار کرده، او بنایش این بوده که در مقابل خدا طغیان کند و با این عقیده این آب را خورده است. پس این آب خوردن درست است که مفسده واقعی ندارد، ولی هتک مولا که هست. این عمل و فعل فی نفسه می‌شود بی‌احترامی بر مولا، هتک بر مولا، طغیان بر مولا؛ بنابراین خود این فعل از نظر عقل قبیح است، عقل این کار را قبیح می‌داند، ولی نه با ملاکی که در معصیت حکم به قبح می‌کند، بلکه به ملاک هتک مولا و بی‌احترامی نسبت به مولا این را قبیح می‌شمارد.^۲

پس دو دیدگاه اینجا وجود دارد؛ کثیری معتقدند که تجری قبح فاعلی دارد و برخی معتقدند که تجری قبح فعلی دارد. هر دو نیز در این جهت مشترکند که حاکم به قبح عقل است؛ عقل یا می‌گوید اینجا قبح فاعلی ثابت است و یا می‌گوید اینجا قبح فعلی ثابت است.

سوال:

استاد: بله، این می‌گوید این کار فی نفسه حرام است، منتهی نه به ملاک حرمت معصیت، بلکه به ملاک دُبگیری. ما به بحث حرمت شرعی نرسیدیم، ما الان بحث قبح تجری عقلاً را داریم؛ اگر منظورتان این باشد درست است. اینکه می‌گوید حرام است الان آن موضوع بحث نیست، حرمت شرعی مورد بحث نیست، بحث قبح عقلی است. ممکن است کسی بگوید عقل آن را قبیح می‌داند اما اینجا این قبح عقلی مستلزم یا مستتبع یک حرمت شرعی نیست.

حق در مسئله

^۱ فوائد الاصول، ج ۳، ص ۴۱.

^۲ نهایه الافکار، ج ۳، ص ۳۰.

اگر بخواهیم بین این دو دیدگاه داوری کنیم واقعه این است که حق با دیدگاه اول است، یعنی شیخ انصاری و شاگردان و شاگردان ایشان. زیرا اصل این کار از نظر عقل قبیح است، تجری، یعنی مخالفت اعتقادی با مولا از دید عقل قبیح شمرده می‌شود، اما حالا ببینیم این قبح در خود فعل است؟

واقعه این است که در فعل دلیلی برای حکم عقل به قبح وجود ندارد. این آب است، خارجا کاری نکرده است که حرام شود، تنها اعتقاد به خمریت داشته که این اعتقاد باعث نمی‌شود که این آب تبدیل به خمر شود. پس فعل با قطع نظر از اضافه‌اش به فاعل، کار ناشایستی نیست.

عنوان هتک و بی احترامی هم که محقق عراقی گفته است، مربوط به فعل نیست، بلکه فاعل این کار را کرده، فاعل قصدش مخالفت بوده، او مخالفت اعتقادی کرده است، پس آنچه که از نظر عقل حکم به قبحش می‌شود خود فاعل است، اما خود فعل فی نفسه و با قطع نظر از این اضافه، به چه دلیل بگوییم عقل آن را قبیح می‌داند. او قصد کرده که مخالفت مولا را کند پس در ذاتش انسان خبیث و بد ذاتی است و سوء سریره دارد؛ اما کارش که به سبب آن اعتقاد تغییر پیدا نمی‌کند، واقعیت این عمل دچار دگرگونی نمی‌شود. پس فعل قبیح نیست، ما نمی‌توانیم بگوییم در تجری قبح فعلی وجود دارد، چیزی که در تجری می‌توان به آن ملتزم شد این است که در تجری قبح فاعلی وجود دارد.

حال اینکه این نزاع حقیقی است یا صرفا لفظی است، بحث دیگری است. اینکه محقق عراقی منظورش شاید چیز دیگری باشد، تأثیری در مسئله ندارد. مهم این است که این دارای قبح فاعلی است.

بحث جلسه آینده

اگر قبح فاعلی برای تجری ثابت شد، آن وقت جای این پرسش و بحث است که آیا قبح فاعلی مستتبع حرمت نسبت به این فعل هست یا خیر؟ این می‌شود یک بحث اصولی به یک معنا.

اینجا برخی گفتند که این محال است. محقق نایینی می‌گوید «یستحیل استتباع القبح الفاعلی لحرمة العنوان المقطوع بالحرمة الاولیه» می‌گوید اساسا اینکه ما از قبح فاعلی بخواهیم نتیجه بگیریم یک فعلی حرام است، محال است، قبح فاعلی مستلزم و مستتبع حرمت شرعی نسبت به فعل نیست. یعنی اگر کسی اینجا این کار را انجام داد و آب را نوشید قبح فاعلی قطعا دارد ولی این قبح فاعلی موجب حرام شدن فعل او نمی‌شود.

«والحمد لله رب العالمین»